

مقدمهٔ کیمبريج بر

غرمان ملویل

کوين جي. هيز
مترجم: رحمت الله قائمی



مقدمہ کیمبرج بر

ہرمان ملویل

کوین جی. ہیز
مترجم: رحمت اللہ قائمی



۱۳۹۹

سرشناسه: هیز، کوین ج.، ۱۹۵۹ - م. Hayes, Kevin J.
عنوان و نام پدیدآور: هرمان ملویل / کوین جی. هیز؛ مترجم: رحمت‌الله قائمی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: شانزده، ۲۵۰ ص.

شابک: ۳ - ۹۷۶ - ۴۳۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The Cambridge Introduction to Herman Melville, 2007.

موضوع: ملویل، هرمن، ۱۸۱۹ - ۱۸۹۱ م. -- دستنامه‌ها

Melville, Herman -- Handbooks, manuals, etc.

موضوع: داستان‌نویسان آمریکایی -- قرن ۱۹م.

Novelists, American -- 19th century

موضوع: نویسندگان آمریکایی -- قرن ۱۹م. -- سرگذشتنامه -- دستنامه‌ها.

Authors, American -- 19th century -- Biography -- Handbooks, manuals, etc.

شناسه افزوده: قائمی، رحمت‌الله، ۱۳۵۹ - ، مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

شناسه افزوده: Elmi - Farhangi Publishing Co

رده‌بندی کنگره: PS ۲۳۸۶

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۳۱۵۷۵

هرمان ملویل

نویسنده: کوین جی. هیز

مترجم: رحمت‌الله قائمی

چاپ نخست: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

CAMBRIDGE UNIVERSITY PRESS

This is an authorised translation of *The Cambridge Introduction to Herman Melville*

© Kevin J. Hayes 2007



انتشارات
علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه
کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی:

۰۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۱۵۲-۸۸۸۸۰۱۵۱؛ فکس: ۸۸۸۸۰۱۵۱

آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

وبسایت فروش آنلاین: www.elmifarhangi.com

فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچه گلفام،

پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۲۰۲۴۱۴۰

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶

برای میونخ‌گران

فهرست مطالب

هرمان ملویل (مقدمهٔ کیمبریج).....نه

دیباچه.....یازده

حروف اختصاری.....پانزده

فصل اول: زندگی.....۱

فصل دوم: بافت.....۲۳

بافت وجودشناسانه.....۲۳

بافت تاریخی.....۲۵

بافت شهری.....۲۷

بافت بصری.....۳۰

بافت روان‌شناسی.....۳۵

بافت امریکایی.....۳۷

بافت جامعهٔ کارگری.....۴۰

بافت برده‌داری.....۴۱

بافت جهانی.....۴۳

بافت خیال‌پردازانه.....۴۴

فصل سوم: آثار ۴۵

چهره‌های تاپی ۴۸

أمو: ولگردی در هیئت پرسه‌زن ۵۹

تبدیل شدن به نویسنده‌ای بزرگ: ماردی، ردبُرُن، ژاکت سفید ۷۱

رویاریوی با موبی دیک ۸۵

پی‌یر: خلق قهرمانی تراژیک ۱۱۰

نامه‌های خصوصی ۱۲۳

بازنویسی تاریخ: ایزرائیل پاتر و «بنیتو سرنو» ۱۳۵

انسان مدرن: «فروشنده میله برقگیر»، شیاد، «بارتلیبی محرر» ۱۴۸

قطعه شعرهای جنگ: صداهای جنگ ۱۵۹

کلارل: یک حماسه امریکایی ۱۷۰

بازگشت به نثر: طرح‌هایی از باشگاه بورگاندی، جان مار ۱۸۳

بیلی باد: بازنگری و بازنگری مجدد ۱۹۴

فصل چهارم: استقبال از آثار هرمان ملویل ۲۰۷

یادداشت‌ها ۲۳۱

راهنمای مطالعات بیشتر ۲۴۱

هرمان ملویل (مقدمهٔ کیمبریج)

به رغم اینکه موبی دیک^۱ در هنگام انتشار در سال ۱۸۵۱ با استقبال چندانی مواجه نشد، اکنون یکی از آثار اصلی ادبیات امریکا به شمار می‌آید. این درآمد به ارائهٔ خوانش‌هایی از شاهکار ملویل می‌پردازد، اما در کنار آن به برجسته کردن مایه‌ها، بستر و برخورد انتقادی با مجموعهٔ دستاورد ادبی وی خواهد پرداخت. فصول آغازین کتاب زندگی ملویل و بستر تاریخی و فرهنگی دوران حیات وی را مورد بررسی قرار خواهد داد. هر یک از آثار ملویل شامل تاپی^۲، موبی دیک و ییلی باد^۳ و داستان‌های کوتاهش در فصل سوم به طور کامل مورد بحث قرار می‌گیرد. در سراسر این فصل مایه‌های مختلف آثار ملویل با استناد و ارجاع به چند اثر شرح داده می‌شوند: فرآیند نوشتن ملویل، ملویل به عنوان یک نامه‌نگار، ملویل و گذشته، ملویل و مدرنیته، نوشته‌های واپسین ملویل. فصل آخر به تحلیل امتداد سنت و میراث ادبی ملویل از

1. *Moby_Dick*

2. *Typee*

3. *Billy Budd*

عصر او تاکنون اختصاص یافته. کوین جی. هیز، در کتابی خوش خوان و جالب توجه، اطلاعات جامعی در باب زندگی و آثار ملویل به دست می‌دهد که خواندن آن برای هر دانشجویی که مطالعه آثار این نویسنده پراهمیت را شروع می‌کند ضروری خواهد بود.

کوین جی. هیز پروفیسور زبان انگلیسی در دانشگاه اوکلاهامای مرکزی است. او مؤلف کتاب‌های بسیاری در زمینه ملویل و ادبیات است که از آن جمله‌اند ریشه‌های بومی ملویل (۱۹۹۹) و فهرست نقدهای ملویل (به همراه هرشل پارکر، ۱۹۹۱).

دیباچه

هر که مویی دیک را خوانده باشد اولین برخورد خود را با آن به خاطر دارد. این اتفاق برای من در زمستان ترم دوم تحصیلم در دانشگاه تولدو افتاد. هنوز مدرک کارشناسی‌ام را نگرفته بودم و با این خیال که کارشناسی زبان انگلیسی بگیرم در سمینار پو - هاثورن - ملویل پروفیسور هاچ^۱ ثبت نام کردم. پیش تر فقط یک اثر از ملویل خوانده بودم: «بارتلی محرز» که در دوره دبیرستان خانم اشتاتز برای درس انگلیسی برایمان مقرر کرده بود. برای یادآوری آن سال، بد نیست از تکیه کلام بارتلی یادی بکنم: «ترجیح می‌دهم نه»، که تبدیل شد به شعار کلاس ما، اما خود داستان هیچ وقت برای من الهام‌بخش نبوده و تأثیری مانا روی زندگی‌ام نگذاشته. مویی دیک با من این کار را کرد.

من هنوز هم کتاب‌هایی را که برای کلاس پروفیسور هاچ خریدم دارم، که برای خودم هم سؤال است چطور چنین چیزی بعد از سی سال ممکن است. مویی دیک را با نسخه انتقادی نورتون، کار هریسون هیفورد^۲ و هرشل پارکر^۳ خواندیم. از آن زمان تاکنون من نسخه‌های

1. Hoch

2. Harrison Hayford

3. Hershel Parker

زیادی از موبی دیک به کتابخانه‌ام افزوده‌ام، اما هنوز هم نمی‌توانم خودم را مجاب کنم که اولین نسخه‌ای را که خریدم کنار بگذارم. پشتش شکسته و هر بار که بازش می‌کنم چند صفحه ازش بیرون می‌پرند، اما موبی دیک نسخه‌ی نورتون من همچنان به اشغال جایی مهم در کتابخانه‌ام ادامه می‌دهد؛ کتاب الهام‌بخشی که باعث شده من تمام زندگی‌ام را صرف ادبیات کنم.

این نسخه پر از بخش‌های خط‌کشی‌شده و نکاتی است که به سه رنگ مختلف نوشته شده‌اند. هر رنگ به تاریخ خوانشی متفاوت اشاره می‌کند. یادداشت‌های قرمز رنگ تازه‌ترین یادداشت‌ها هستند. این یادداشت‌ها مربوط به اولین باری است که سمینار پو - هاثورن - ملویل خودم را برگزار کردم. یادداشت‌های سیاه‌رنگ مربوط به سمیناری در دوره‌ی لیسانس است که پروفیسور پارکر در دانشگاه دلور برگزار می‌کرد (حضور من در دوره‌ی فوق لیسانس در دانشگاه دلور حاکی از تأثیر نسخه‌ی نورتون از موبی دیک است و اینکه من تصمیم گرفته بودم زیر نظر یکی از ویراستاران این نسخه تحصیل کنم). یادداشت‌ها مختصر و حواشی آبی‌رنگ و سطور خط‌کشی‌شده مربوط به سمینار پروفیسور هاچ در دوره‌ی لیسانس هستند.

تفاوت‌های آشکاری بین این سه دسته یادداشت وجود دارد. یادداشت‌های قرمز و سیاه از قلم کسی برآمده‌اند که به عنوان یک ادبیاتی حرفه‌ای در آغاز راه پیشه‌ی خود قرار دارد. حواشی آبی‌رنگ در مقایسه با دو دسته‌ی قبلی خام‌تر و مبتدیانه‌تر هستند. در یادداشت‌های آبی اشاره‌ای به پیرنگ یا شگردهای روایت یا شخصیت‌پردازی یا تصویرسازی و نمادپردازی نشده است، اما در این یادداشت‌های اولیه چیزی وجود دارد که در یادداشت‌های بعدی نیست: بازتاب هیجان کشف. پاراگراف‌هایی در این نسخه از موبی دیک، که با رنگ آبی خط‌کشی شده‌اند، نقاط عطف داستان را مشخص کرده‌اند؛ مکان‌هایی

در کتاب که ملویل در آن‌ها ایده‌هایی را که من به شکلی بسیار خام و مبهم یادداشت کرده‌ام با دقت به کلام تبدیل کرده است.

در آمد کیمبریج بر هرمان ملویل مجالی برایم فراهم کرده تا فرصتی را که به عنوان یک دانشجوی دوره لیسانس در اختیار داشتم با دیگران سهیم شوم، تا مگر خوانندگان نیز لذت کشف ملویل در اولین خوانش را تجربه کنند. چهار فصلی که این کتاب را تشکیل می‌دهد از وجوه مختلف به بررسی پیشه ادبی ملویل می‌پردازد. فصل اول داستان زندگی ملویل است. فصل دوم که با فصل آغازین موبی دیک شروع می‌شود به معرفی بافت فلسفی، تاریخی و فرهنگی می‌پردازد که از خلال آن به نوشته‌های ملویل خواهیم نگریم. این فصل به ارائه طرحی کمینه از بسیاری از ایده‌هایی می‌پردازد که در فصل سوم به صورت کامل در قالب مجموعه‌ای از مباحث انتقادی پیرامون آثار ملویل ارائه شده‌اند. و فصل چهارم به پذیرش ملویل از جانب منتقدان می‌پردازد، از اقبال معاصر که، در عین بی‌توجهی و نادیده انگاشتن ملویل، به تایی شده تا سر بر آوردن دوباره ملویل در آغاز قرن بیستم؛ زمانی که جهان ملویل را کشف کرد.

حروف اختصاری

- BB* Hayford, Harrison and Merton M. Sealts, Jr., eds., *Billy Budd, Sailor (An Inside Narrative): Reading Text and Genetic Text*, Chicago: University of Chicago Press, 1962.
- CR* Higgins, Brian and Hershel Parker, eds., *Herman Melville: The Contemporary Reviews*, New York: Cambridge University Press, 1995.
- Doublon* Parker, Hershel and Harrison Hayford, eds., *Moby-Dick as Doublon: Essays and Extracts (1851–1970)*, New York: Norton, 1970.
- Log* Leyda, Jay, *The Melville Log: A Documentary Life of Herman Melville, 1819–1891*, 1951; reprinted, New York: Gordian Press, 1969.
- W* Hayford, Harrison, G. Thomas Tanselle and Hershel Parker, eds., *The Writings of Herman Melville*, Evanston and Chicago: Northwestern University Press and The Newberry Library, 1968–, 13 vols. to date (1–10, 12, 14–15).
- Works* Sadleir, Michael, ed., *The Works of Herman Melville*, London: Constable and Co., 1922–1924, 16 vols.

فصل اول

زندگی

هرمان ملویل در هجده سالگی در جریان سفری از پیتسفیلد^۱ ماساچوست به آلبانی نیویورک، برای همراهی خانواده در جشن روز شکرگزاری، فرصتی برای بازنگری در موقعیت خود به دست آورد. ملویل اول آگوست ۱۸۱۹ در نیویورک به دنیا آمد و کودکی آرام و لذت‌بخشی داشت، اما موقعیت شغلی پدر در دوران نوجوانی ملویل آن‌ها را وادار به نقل مکان به آلبانی نیویورک کرد، جایی که در آن موفقیت افزونی در انتظار پدر نبود. نقشه‌های جاه‌طلبانه و خرج بی‌ملاحظه از محل اعتبار آسیب جدی به آن‌ها وارد کرد. پدر ملویل در حالی که ورشکسته بود از دنیا رفت و همسرش ماریا و هفت فرزندش را بدون پول و مستمری رها کرد. هرمان در آن زمان دوازده سال داشت. برادرش گنزوورت^۲ پس از مرگ پدر وارد بازار کار شد و موفقیتی به هم زد؛ تا اینکه رکود اقتصادی در سال ۱۸۳۷ او را به ورشکستگی کشاند. هرمان، برای

1. Pittsfield

2. Ganesvoort

کمک به خانواده، چند ماه قبل از روز شکرگزاری نیویورک را ترک کرده بود تا در حومه ماساچوست در مدرسه تدریس کند.

یکی از عموهای هرمان در طول تعطیلات یک نسخه از کتاب جان پرستون^۱ با نام نه چندان بامسمای هر کسی معلم خودش را به او داد. این کتاب مجموعه‌ای از تمرینات ریاضی بود که شاگردان ملویل بسیار به آن نیاز داشتند. ملویل متوجه شد که بسیاری از شاگردانش «با چنان سرعتی با مسائل ریاضی برخورد می‌کردند که اگر بار دیگر از همان جاده سفر می‌کردند و با همان مسائل برخورد می‌کردند نمی‌توانستند اشیاء کنار جاده را به خاطر بیاورند و برخی از آنان چنان سهل‌انگار بودند که انگار اولین بار است از این جاده عبور می‌کنند و قبلاً هرگز این مسائل را ندیده‌اند» (W, XIV, p. 8). پرستون بر اهمیت و ارزش والای آموزش تأکید می‌کند، چیزی که نابغه ادبی ما، هرمان ملویل، از آن بیزار می‌جوید. مقایسه تدریس و نوشتن تأثیری کاملاً برعکس آنچه تصور می‌شود روی ملویل گذاشت. نکاتی که پرستون شرح می‌دهد کافی است که هر معلمی با گرایشات جدی ادبی را به این فکر وا دارد که مقابل یک کلاس پر از دانش‌آموزان یاغی و بی‌میل چه می‌کند.

ملویل هنوز تا آشکار شدن نشانه‌های نبوغ ادبی فاصله داشت، اما نامه‌ای که برای تشکر به عمویش نوشت نشانه‌هایی حاکی از زمینه‌ای مناسب برای زندگی ادبی و بارقه‌هایی از نبوغ را در خود دارد. در شرح محل زندگی‌اش خیالات رمانتیک خود را نیز دخیل می‌کند و خود را در بلندای «ستیغ تنهاترین و وحشی‌ترین کوهستانی که تا به حال بدان صعود کرده» می‌بیند. «به هر حال، این منظره بسیار باشکوه و غریب است، بخشی از منطقه را به شکل یک تالار نمایش در آغوش گرفته، مایل‌ها به همین شکل دور می‌زند و بخشی از ایالت شما را نیز در بر

گرفته است» (W, XIV, p. 8). ملویل، با به تصویر کشیدن فرد میان چشم اندازی طبیعی که تا افق گسترده است، ویژگی های بصری عصر رمانتیک را فراهم می آورد و پیشاپیش تصویر کاپیتان آهاب را که در پهنه اقیانوس آرام پیش می راند به دست می دهد.

او همچنین می گوید که به منظور افزایش مهارت های خود در حال خواندن و نوشتن است. او در مدرسه ناحیه اورویل تیلور^۱ «با مزایای دانش پژوهی که در پی درک تاریخ خویشتن در ناحیه سفر می کند و در محاصره مناظری است که توصیفشان می کند» درس می خواند. توصیفی که ملویل از فرآیند مطالعه خود به دست می دهد دومین استفاده تمثیلی از سفر را در نامه اش شکل می دهد. موقعیت او به عنوان مدیر مدرسه وی را در مقام سخنرانی قرار می دهد، اما زبان نامه اش او را دردمند و در «اشتیاق بی پایان برای چیزهای دوردست» نشان می دهد (W, XIV, p. 9, VI, p. 7).

نوشته های آن عصر منبع تغذیه عطش و کنجکاوی ملویل نسبت به سرزمین های بیگانه بود. از آنجا که ملویل هرگز آدمی منظم و قاعده مند نبود، آنچه را که می خواند هرگز ثبت نمی کرد، اما برادر وی گنزوورت که فردی کاملاً منظم بود مطالعه مقدار زیادی متون ادبی از جمله مقالات مختلفی از گزیده های کتابخانه سیار والدی را، که مجله ای هفتگی بود و گزیده هایی از آخرین متون ادبی را عرضه می کرد، ثبت کرده است. گنزوورت مطالعه «نامه هایی از شرق»^۲ جان کارن^۳، «شورش تاتارها»^۴ توماس دو کوئینسی^۵، و «قصر هینفیلد»^۶ بازیل هال^۷ را ثبت کرده است. کتابخانه سیار والدی برای برادران ملویل پنجره ای به جهان هیجان انگیز ماجراجویی های خارجی باز کرد.

1. J. Orville Taylor

2. "Letters from the East"

3. John Carne

4. "Revolt of the Tartars"

5. Thomas De Quincey

6. "Schloss Hainfield"

7. Basil Hall

هرمان خیلی زود تدریس را کنار گذاشت و با این امید که بتواند وارد کانال اری شود به آکادمی لنزینبورگ پیوست تا مشغول تحصیل در زمینه نقشه‌برداری و مهندسی شود. او همزمان به تقویت بنیان‌های ادبی خود نیز پرداخت. در می ۱۸۳۹ ملویل دو یادداشت روزنامه‌ای به نام «خرده‌ریزهایی از یک میز تحریر»^۱ منتشر کرد. لحن این یادداشت‌ها یادآور مقالات کلاسیک عصر آگوستوس رومی است، اما مایه و زمینه آن‌ها به دوران رمانتیک نزدیک است. ملویل، در «خرده‌ریزها...»، شخصیتی را که تا حدودی از شخصیت خودش متمایز است خلق می‌کند؛ روایتی دقیق و ظریف که ملویل در ادامه آن را گسترش می‌دهد و بهبود می‌بخشد.

ملویل نتوانست شغلی در کانال اری پیدا کند و ناچار وارد کشتی تجاری سنت لارنس شد که به لیورپول می‌رفت. این تجربه اولیه در تصمیم وی برای انتخاب شغل «وال‌گیری» مؤثر بود. از لیورپول به خانه بازگشت و پیش از سفر به جزایر ایلینویز مدت کوتاهی به تدریس در مدرسه پرداخت. به رغم اینکه هیچ اشاره‌ای به این سفر نکرده، ارجاعات پراکنده بسیاری در نوشته‌های وی وجود دارد که به اهمیت این سفر به «قلب محصور امریکا در خشکی» اشاره می‌کنند (W, VI, p. 244). در طول سفر در کانال اری، در طول سفر در گریت لیکز به شیکاگو، و در سفر به گالنا از طریق خشکی، ذهن روبرو به توسعه ملویل به انباشتن تصاویری می‌پرداخت که در نوشته‌هایش به کار می‌روند.

او آن قدر در جزایر ایلینویز ماند تا توانست ذرت‌های رسیده را «نشان صلح: ایلینویز در سال ۱۸۴۰»^۲ ببیند. صرف نظر از این عنوان فرعی، نشانه دیگری دال بر اینکه ملویل این شعر را کی و کجا نوشته وجود ندارد. حتی اگر این شعر را سال‌ها بعد سروده باشد، صحنه‌پردازی

1. "Fragments from a writing desk"

2. "Trophies of Peace: Illinois in 1840"

شعر حاکی از این است که وی مشغول سیاحت مناظر غرب امریکا با نگاهی شاعرانه بوده است. ردیف‌های بوته‌های ذرت یادآور دسته‌های سربازان نیزه‌به‌دست است. با در نظر داشتن اینکه جنگ به مرگ منتهی می‌شود، مزارع ذرت نمادهای زندگی را به بار می‌آورند، خرمن دانه‌های زرگون. راوی، با تأکید بر چمنزار، آن را به بارآوری بیشتر ترغیب می‌کند: «با وجود بهرام جنگ آور/ خشکی آن در هیچ تقویمی نخواهد آمد ...» (*Works*, XVI, p. 313).

ملویل، بعد از ترک گالنا، خود را با قایق از طریق می‌سی‌سی‌پی به کایروای ایلینویز رساند. او تأثرات خود از این سفر را در شعری با نام «رودخانه» ثبت می‌کند، قطعاتی غنایی که تصویرپردازی‌اش همسان «نشان صلح» است. پاراگراف اول با یک سؤال پایان می‌پذیرد: «در این انبار غلات قاره، این آبگیر می‌سی‌سی‌پی، آیا نباید ملت‌ها زیر بال برکت و رحمت، به شکوه، گرد هم آیند؟» درست جایی که رود میزوری به می‌سی‌سی‌پی می‌پیوندد، مناظر گرم با قاطعیت رخ می‌نمایند. «میزوری زردفام» همچون «یک غارتگر» ناگاه خروش برمی‌آورد. رود میزوری بر خلاف می‌سی‌سی‌پی بیشتر یادآور «یک دشمن است تا سیلی دوستانه» (*W*, X, pp. 497-499). رودخانه در دست ملویل تبدیل به نماد قدرتمندی از خشونت بومی امریکا می‌شود.

سفر وال‌گیری‌ای که ملویل به زودی رهسپار آن خواهد شد مهم‌ترین سفر زندگی او خواهد شد؛ سفرهای روی خشکی او در مقام دوم اهمیت قرار خواهند گرفت. ملویل، با سفر به قلب امریکا پیش از سفر در اقیانوس آرام، فرصتی را برای خود فراهم آورد که اقلیم‌های مختلف را با هم مقایسه کند و آنچه را که جغرافیای ملی کشورش عرضه می‌کرد بشناسد. در اثر ملویل، گریت لیکز نماینده شکوه

امریکاست، چمنزار نماد باروری طبیعی است و می‌سی‌سی‌پی بیانگر پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی پیش روی ملت است. غرب امریکا تجسد روح حقیقی ایالات متحد است. همچنان که ملویل از زبان انقلابی میهن پرست اتان آلن^۱ می‌گوید، «روح او در ذات غربی بود و این روح در امریکاکرایی او نیز وجود دارد، زیرا روح غرب روح حقیقی امریکاست یا خواهد شد (زیرا گزینه دیگری نه وجود دارد و نه می‌تواند وجود داشته باشد) (W, VIII, p. 149).

چند ماه پس از بازگشت به شرق در کشتی آکوشنت، که یک کشتی وال‌گیری بود و در ژانویه ۱۸۴۱ از ماساچوست راهی دریا شد، نام‌نویسی کرد. یک سال و نیم بعد، آکوشنت در نوکوهیوا در مارکیساس پهلو گرفت و ملویل همراه ریچارد تویاس گرین که بعداً در قالب شخصیت تویی در تایی جاودانه شد، و این کتاب بر اساس تجربیات آن‌ها نوشته شده، از کشتی جدا شدند. آن‌ها، پس از ترک کشتی به سمت بیشه‌های نوکوهیوا، سفر خود را روی خشکی آغاز کردند و از میان آدمخواران بومی تایی سر در آوردند. ملویل چند هفته در آنجا ماند، اما سرانجام در یک کشتی وال‌گیری استرالیایی که از آنجا عبور می‌کرد نام‌نویسی کرد و به تاهیتی رفت؛ تجربه‌ای که الهام‌بخش وی در کتاب دومش *امو* بود. کشتی وال‌گیری دیگری او را در آوریل ۱۸۴۳ به ماوی رساند.

در *هونولولو* به عنوان میله‌گذار در یک باشگاه بولینگ مشغول به کار شد. تجربه مختصری که در آنجا کسب کرد به طور چشمگیری در شکل‌گیری شخصیت خود او تأثیر داشت. ادگار آلن پو^۲ فلسفه را در اسباب و اثاث می‌جست و ملویل نیز که از قدرت پو در تشخیص حقیقت در چیزهای بی‌اهمیت برخوردار بود ممکن است معرفت

و خرد خود را در توپ بولینگ پیدا کرده باشد. باشگاه بولینگ نیز، درست مثل کشتی می‌سی‌سی‌پی، برای وی نمونه‌ای کوچک از جهان بود که در آن انسان‌های نازک طبع با آدم‌های فرومایه در هم می‌آمیزند. مکانی متناقض‌نما که در آن صدای ناهنجار میله‌های بولینگ بستری مساعد برای خیال‌پردازی فراهم می‌آورد. ملویل تنها نویسنده مهم امریکایی‌ای نیست که بخشی از سال‌های شکل‌گیری شخصیتش را در باشگاه بولینگ سپری کرده است.

هاوایی ملویل را با لذت بردن از گونه دیگری از طبیعت مواجه کرد: موج‌سواری. سندی دال بر اینکه ملویل خود به موج‌سواری پرداخته باشد وجود ندارد، اما او در وایکیکی وقت خود را صرف تماشای موج‌سواران جوان اهل هاوایی می‌کرد، که بعدها آن را در ماردی^۱ به دقت شرح می‌دهد و این نخستین نمونه از موج‌سواری در ادبیات امریکاست. از قرار معلوم، ملویل هونولولو را آن قدر دوست داشت که بتواند در آن سکنا گزیند، اما دل‌تنگی وی برای خانه با از راه رسیدن یکی از کشتی‌نیروی دریایی امریکا هم‌زمان شد. او بی‌اراده به عنوان یک دریانورد ساده در کشتی نام‌نویسی کرد. کشتی اقیانوس آرام را پیمود و خط ساحلی امریکای مرکزی و جنوبی را دور زد، اما در نهایت در اکتبر ۱۸۴۴ به بوستون رسید و ملویل از نیروی دریایی ترخیص شد. تصور کنید او با چه سیمایی به خانه برگشته است. از آخرین باری که خانواده‌اش او را دیده بودند حدود چهار سال می‌گذشت. او به طور طبیعی مردی خوش‌سیما بود. حالا بیست‌وپنج‌ساله بود، خوش‌اندام و آفتاب‌سوخته. قطعاً به طرزی چشمگیر خوش‌منظر بوده است. در طول مدتی که او از خانه دور بود برادرش نیز چنین دگردیسی‌ای را پشت سر گذاشته بود. گزوررت ملویل خطیب مشهوری شده بود. انتخابات

ریاست جمهوری در پیش بود و او مشغول سفر به اطراف و اکناف و سخنرانی برای مردم برای تبلیغ جیمز پولک^۱ بود.

هرمان بار دیگر با مشکلی که زمان ترک خانه گرفتارش بود مواجه شد: دوباره بیکار بود. او دوستان و اعضای خانواده را با داستان‌های ماجراجویی‌های خیالی در دریای جنوب می‌ترساند، و آن‌ها تشویقش می‌کردند که این ماجراها را برای چاپ بنویسد. نویسندگی به شکل حرفه‌ای قبلاً به ذهنش خطور نکرده بود، اما حالا امکان چنین کاری او را به فکر وا داشته بود. ملویل برای هیچ تصمیمی زمان زیادی صرف نمی‌کرد. خیلی زود تصمیمش را گرفت: تصمیم گرفت نویسنده شود. برای شروع کار و پیدا کردن موضوعی برای نوشتن، شروع به خواندن کتاب‌هایی کرد که ماجراهای دریاها را جنوب را شرح می‌دادند و او می‌توانست آن‌ها را به عنوان منبع مورد استفاده قرار دهد؛ و به این ترتیب کار را شروع کرد. وقتی ذوقش شکوفا می‌شد، می‌توانست خیلی سریع بنویسد، قابلیتی که انگار به محض شروع کتاب اولش بدان دست یافته بود. پیش‌تر داستان تاپپی را در شب‌های تاریک و بلند روی عرشه کشتی به صورت شفاهی تعریف کرده بود و مصالح داستان‌ش را به خوبی می‌شناخت. در عرض چند ماه نسخه اولیه را به اتمام رساند و گنزوررت برای چاپش نقشه‌ای کشید.

پرزیدنت پولک، پس از مراسم تحلیفش، به خاطر تلاش‌های گنزوررت در مبارزات انتخاباتی، دبیری سفارت امریکا در لندن را به او سپرد. او داستان هرمان را به لندن برد و آن را به جان موری^۲ سپرد که به نظرش آن قدر خوب نوشته شده بود که نمی‌توانست ماجراهای واقعی یک دریانورد باشد، اما گنزوررت به وی اطمینان داد که هرمان مردی صادق و راستگوست. واشنگتن آبروین این نسخه را با شواهد و ادله

۱. James K. Polk: یازدهمین رئیس‌جمهور امریکا، از سال ۱۸۴۵ تا ۱۸۴۹. م.

2. John Murray

تطبیق داد و بی اندازه از آن لذت برد. با توصیه آبروین، ناشر امریکایی جورج پی. پوتمن^۱ چاپ اثر را تقبل کرد. موری آن را با عنوان روایت چهار ماه اقامت بین بومیان جزایر مار کیساس؛ یا نگاهی به زندگی پولینزیایی^۲ (۱۸۴۶) و وایلی و پوتمن آن را با عنوان تاپی: نگاهی به زندگی پولینزیایی چاپ کردند، عنوانی که ملویل آن را بیشتر دوست داشت. تاپی در مجموعه جدید و معتبر شرکت، با عنوان کتابخانه کتاب‌های امریکایی وایلی و پوتمن، عرضه شد. متأسفانه گنزوورت آن قدر زنده نماند که شاهد موفقیت برادرش باشد. او در هفته دوم می ۱۸۴۶ در لندن در گذشت.

چاپ نسخه امریکایی او را در ارتباط با ویراستار مجموعه، اورت دویکینک^۳، قرار داد که تعدادی از بهترین نویسندگان کشورهای کشور را به عنوان همکاران مجموعه به خدمت گرفته بود: مارگارت فولر^۴، ناتانیل هائورن^۵، ادگار آلن پو و ویلیام گیل مور سیمز^۶. وقتی تاپی منتشر شد، دویکینک نسخه‌ای از آن را در اختیار فولر، هائورن و سیمز قرار داد، اما کتاب را به پونداد که نقدهای تند و گزنده‌اش به عنوان منتقدی سختگیر و تندزبان لقب «مرد تبره‌دست» را برایش به ارمغان آورده بود. واکنش بسیاری از منتقدان انگلیسی به کتاب شبیه موری بود. ماجراهای هیجان‌انگیز، شوخی‌های دلچسب و نثر خوب کتاب را دوست داشتند، اما به سختی می‌توانستند باور کنند که این کتاب نوشته یک دریانورد باشد. واکنش کریستین جانستون^۷ جالب بود. او در نقدی بر کتاب برای مجله‌ای در ادینبورگ نوشت: «ماجراها بسیار

1. George P. Putnam

2. *Narrative of a Four Months' Residence Among the Natives of a Valley of the Marquesas Islands; or, A Peep at Polynesian Life*

3. Evert Duyckinck

4. Margaret Fuller

5. Nathaniel Hawthorne

6. William Gilmore Simms

7. Christian Johnstone

سرگرم کننده هستند؛ در واقع خیلی سرگرم کننده، به طوری که گاهی اوقات احساس می شود در روایت بعضی از این ماجراها اغراق شده است. کتاب با دقت و ظرافت پرداخت شده یا، آن طور که ماسون ها می گویند، هنرمندی ادیب^۱ درست به قلب هدف نشانه رفته است؛ و مؤید این مطلب است که شاید داستان با کمی آب و تاب و اغراق روایت شده باشد». بعضی این سؤال را مطرح کردند که آیا واقعاً شخصی به نام هرمان ملویل وجود خارجی دارد یا نه. روزنامه نگاری نیویورکی به نام پارک گودوین^۱، در ستونی که در جولای ۱۸۴۷ برای یک مجله انگلیسی نوشت، خیال خواننده های انگلیسی را در مورد وجود ملویل آسوده کرد: «چند روز پیش خودم او را زنده و سر حال در آلبانی دیدم» [۱].

برخلاف چنین نقدهای بدبینانه ای، تاپپی ذهن و خیال خوانندگان را تسخیر کرد. کتاب نه تنها اطلاعاتی جزئی با روایتی تعلیقی و آمیخته با طنز در اختیار خوانندگان قرار می داد بلکه لذت پنهان و مطبوعی نیز به آنان عرضه می کرد. در یک صحنه در آغاز داستان، چند زن که به سمت دریانوردان شنا می کنند به آن ها خوشامد می گویند. قطب عشقی داستان زن زیبای اغواگری به نام فایاوی^۲ است که خوانندگان مرد را به هیجان می آورد. تکرار اسم او در فرهنگ عامه حاکی از میزان نفوذش در تخیلات مخاطبان انگلیسی و امریکایی است. مالک یک کشتی بخار در سنت لوئیز کشتی اش را با نام فایاوی غسل تعمید داد. چندین مالک کشتی های انگلیسی کشتی های اقیانوس پیمای خود را فایاوی نامیدند. ولرد چستر فیلد اسبی داشت که در مسابقات اسب دوانی در دهه ۱۸۶۰ اسب محبوبی بود؛ اسبش را فایاوی نامید [۲].

تاپپی فقط برای مردان نوشته نشده بود. وجه اغواگرانه کتاب خوانندگان زن را نیز جذب خود کرد. مارگارت فولر با لحنی دوپهلوی و

کنایه آمیز گفت: «این همان کتابی است که جمعیت خیاطان روستاهای کشور هنگام کار آرزو خواهند کرد که کاش آن را خوانده باشند» (CR, p. 38). اگر ارجاع مهرآمیز لیدیا ماریا چایلد^۱ را به فایاوی در «هندوی تارک دنیا»^۲ اشاره‌ای مربوط به اثر بدانیم، او نیز از کتاب خوشش آمده بود. جزئیات زندگی روزانه بومیان تایی به شکلی خاص مورد توجه زنان قرار گرفته بود. ست پنکاست^۳ در کتاب راهنمای پزشکی بانوان، با اشاره به بخش بهداشت فردی در تایی، آن را منبعی مفید قلمداد می‌کند و می‌نویسد: «ملویل به ما می‌گوید که دختران تایی زمان زیادی را به امور شخصی و اصلاح مو اختصاص می‌دهند. آن‌ها چند بار در روز استحمام می‌کنند و بعد از حمام موهایشان را با روغن نارگیل چرب می‌کنند. ملویل به این موضوع توجه دارد که این روغن مناسب آرایش یک ملکه است». ماری هیوز^۴، خالق کتابخانه آنت ماری که مجموعه‌ای از کتاب‌های عامه‌پسند کودکان است، تایی را با عنوان صبح ماه می: یادیدار از روستا بازنویسی کرد [۳].

بازگشت ناگهانی ریچارد توبیاس گرین موجب خاموش شدن برخی از منتقدان سرسخت شد. او از دره تایی فرار کرده، به خانه بازگشته و حالا در بوفالو نیویورک ساکن شده بود. با معرفی خودش به عنوان تویی کتاب تایی، درستی و صحت داستان را تصدیق کرد. او به ملویل که داستان‌های دوستانش را نوشته بود پیوست. موری «داستان تویی» را در قالب یک جزوه چاپ کرد. این جزوه به چاپ‌های بعدی تایی اضافه شد. بعضی از خوانندگان به هیچ وجه راضی نمی‌شدند. هروی^۵ در مورد خوش اقبالی از راه رسیدن اتفاقی تویی و چاپ جزوه

۱. Lydia Maria Child (۱۸۰۲-۱۸۸۰): روزنامه‌نگار، رمان‌نویس، فعال حقوق زنان، فعال حقوق بومیان و طرفدار لغو برده‌داری. - م.

2. "The Hindoo anchorite"

3. Seth Pancoast

4. Mary Hughs

5. T. K. Hervey

«داستان تویی» زبان به شکایت باز کرده بود. او معتقد بود که «در این شکل پرداختن به مسئله نوعی سهل‌انگاری وجود دارد، نوعی شاهد غیرمنطقی، نوعی تأیید دایره‌وار که سردرگمی را افزایش می‌دهد» [۴]. هر وی جایی برای حرف باقی نمی‌گذاشت. شهرت نسبی خود او به خاطر شعری بلندی به نام استرالیا بود که او به عنوان یک دانشجو درباره ماجراهای دریا‌های جنوب نوشته بود، بی آنکه لحظه‌ای از جای امنش در ترینی تی کالج کیمبریج دور شود.

تایپی که به رئیس دیوان عالی ماساچوست، لمیول شاو، تقدیم شده بود اشاره‌ای به زندگی خصوصی ملویل هم دارد. در زمان غیبت او، خواهر بزرگش هلن با الیزابت، دختر قاضی شاو، دوست شده بود. ملویل بعد از بازگشت از سفر به حلقه خانواده شاو وارد شد. او و الیزابت عاشق هم شدند، نامزد شدند و بعد از چاپ دومین کتاب ملویل، *امو*: روایت ماجراهای دریا‌های جنوب^۱ (۱۸۴۷)، ازدواج کردند و در نیویورک ساکن شدند؛ جایی که ملویل کار بر روی *ماردی*، اثری که هنگام کامل شدن *امو* آغاز کرده بود، را ادامه داد.

به شکل معمول، ملویل نسخه کوتاهی از داستان را می‌نوشت و بعداً آن را با جزئیات بیشتر و نظرات حاصل از خوانش خودش گسترش می‌داد. او این روش را به شکلی مؤثر برای نوشتن تایپی و *امو* به کار گرفت، اما منابع او برای نوشتن این دو کتاب به صورت اولیه روایت‌های دیگری از ماجراهای دریا‌های جنوب بودند. در طول شکل‌گیری *ماردی*، او شروع به خواندن نثرهای اندیشه‌ورزانه قرون پیشین و متون کلاسیک کرد که تأثیر عمیقی بر *ماردی* گذاشت. چیزی که مثل تایپی به سیاق داستان‌های ماجراجویی شروع شده بود به جست‌وجویی رماتیک تبدیل شد؛ یک اودیسه روشنفکرانه و یک حکایت گزنده و طعنه‌زن سیاسی.

1. Lemuel Shaw

2. *Omoo: A Narrative of Adventures in the South Seas*

نقد‌ها متفاوت بودند. برخی خوانندگان نمی‌توانستند ماردی را درک کنند. مشتاق‌ترین حامی اثر، اورت دویکینک، نقدی مفصل نوشت با عنوان ماردی: و سفری به آن‌سوتر^۱ (۱۸۴۹). به هر حال، نسخ کمی از ماردی به فروش رسید. ملویل خانواده‌ای رو به گسترش داشت و شکست تجاری این اثر بسیار ناامیدکننده بود. یک ماه پیش از انتشار ماردی، الیزابت فرزندشان مالکوم را به دنیا آورده بود، اولین فرزند از چهار فرزند آنان. همسرش به سختی می‌توانست به نوشتن کتابی مشغول شود که سود مالی در پی نداشت.

وضعیت ملویل منحصر به فرد نبود. محبوبیت و کیفیت‌های ادبی رابطه معکوس دارند. آن زمان هم درست مثل الآن، خوانندگان عام کتاب‌هایی را ترجیح می‌دادند که توقعات آنان را برآورده کند. هنرمندان راستین به طور مرتب سلیقه عمومی را به چالش می‌کشیدند تا سطح هنر خویش را ارتقا دهند. ملویل که با تاپپی شهرت خود را تثبیت کرده بود مجموعه‌ای از توقعات را ایجاد کرده بود که آمو آن‌ها را برآورده می‌کرد. وقتی ماردی که به عمد سخت‌تر نوشته شده بود خوانندگان معاصر را با چالش کشید، آنان از اثر رو برگرداندند.

ملویل می‌خواست هنر خود را به ورای ماردی تجربه گرا ببرد تا چیزی را که دیگر نویسندگان از گفتنش بیم داشتند بر روی کاغذ بگوید، اما پیش از آنکه بتواند به خوبی از پس این کار برآید به سرعت دو کتاب دیگر بر اساس تجربیات خودش عرضه کرد. سفرش به لیورپول الهام‌بخش ماجراهای ولینگبرو ردبرن^۲ در کتاب ردبرن، نخستین سفر دریایی: اعترافات یک بچه‌دریانورد و بازخوانی خاطرات فرزند یک آقامنش در کشتی تجاری^۳ (۱۸۴۹) و سفرش با ناو جنگی امریکایی

1. *Mardi: And a Voyage Thither*

2. *Wellingborough Redburn*

3. *Redburn, His First Voyage: Being the Sailor-Boy Confessions and Reminiscences of the Son of a Gentleman, in the Merchant Service*